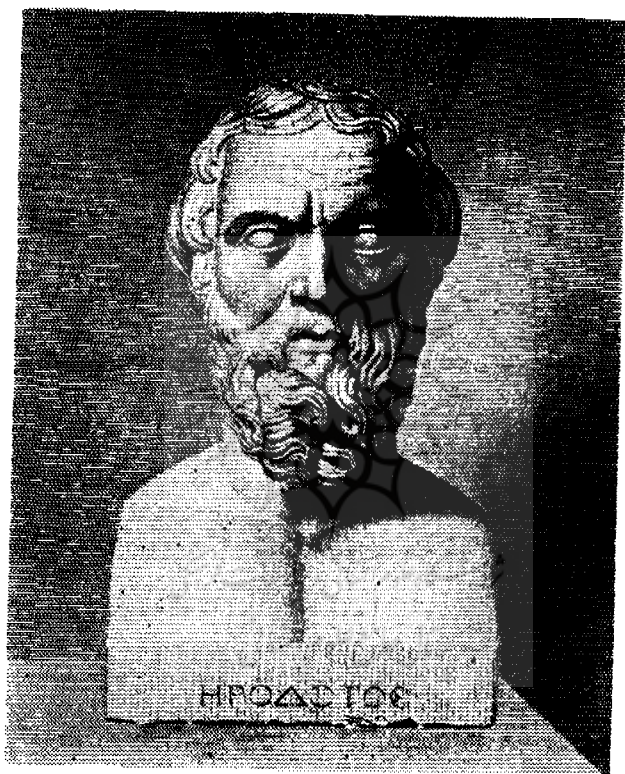


حسن معاصر

۲۵ دیماه ۱۳۴۹

يك توضیح لازم راجع به عنوان كتاب جدید انتشار
 « یونانیان و بربرها » و تاریخ هرودوت



جناب آقای وحیدزاده دستگردی مدیر دانشمند محترم مجله «ارمغان»
 در شماره آذرماه ۴۹ مجله گرامی ارمغان نویسنده دانشمند و محقق آقای
 جمالزاده زیر عنوان «یونانیان و بربرها» بمناسبت انتشار کتابی بهمین عنوان در
 پاریس بزبان فرانسه بقلم آقای میر مهدی بدیع شرحی جامع و پر مغز در باره ارزش

مهم این کتاب مرقوم و در مقام قدرشناسی از خدمت مهمی که مؤلف آن کتاب بوطن خود و هم در جهان تاریخ نگارش انجام داده است مینویسند در حقیقت «آقای میر مهدی بدیع خواسته اند بی انصافی مورخین یونانی و پس از آن مورخین فرنگی را که در واقع شاگردان همان تاریخ نگاران قدیمی هستند مدلل سازند و نشان بدهند که مقداری از آنچه تاریخ نویسان درباره معاملات و خصوصیات زدو خورد بین ایرانیان و یونانیان نوشته اند نه تنها اساس صحیحی ندارد بلکه بحکم « قلم در دست دشمن است » از راه تعصب ملی و خودستائی محض بوده است ... » و اینکه نیت اساسی مؤلف محترم کتاب « یونانیان و بربرها » همانا باثبات رساندن همین موضوع است که هر کس ایرانیان را در قبال یونانیان « بربر » خوانده است اعم از خود یونانیان و یا مؤلفین دیگر در اعصار و ادوار بعد اولاً این کلمه را بمعنائی که امروز بعضی از اشخاص و اقوام نادانسته باین کلمه میدهند استعمال نکرده اند و یا اگر استعمال کرده اند از راه بی خبری و احیاناً بد خواهی و بی انصافی بوده است « سپس آقای جمال زاده بدو نسبت باظهار نظری که دانشمند گرامی آقای دکتر علی اصغر حریری مقیم پاریس درباره کتاب « یونانیان و بربرها » قبل از خواندن آن کتاب نموده اند بالحنی مخصوص انتقاد نموده اند از این جهت که « کتاب را ناخوانده درباره اش داوری نموده اند » بعداً بنقل از همان کتاب توضیح داده اند که کلمه « بربر » کلمه ایست بسیار معمولی برای معرفی کسانی که از سرزمین های دیگرند و اخلاق و عادات دیگری دارند و در هر زبانی معادلی دارد که معنی آن چیزی جز « اجنبی » یا « بیگانه » نیست و در آغاز در میان یونانیان برای نشان دادن کسانی بکار میرفته است که از سرزمین هیلن برنخاسته اند و آنرا نمی شناسند ... » و نتیجه گرفته اند که « مؤلف کتاب « یونانیان و بربرها » در اختیار این عنوان نظر طعن و طنز در استعمال کلمه « بربرها » داشته و هر سطری از کتاب عظیم و گرانبه او این معنی را با وضوح هر چه تمامتر آشکار میسازد و این کتاب

بهمین نیت نوشته شده است که مردم بدانند که ایرانیان نداشتنها بمفهوم امروزی این کلمه « بربر » ووحشی وفاقد تمدن نبوده‌اند بلکه تمدنی بس عالی داشته‌اند بطوریکه مرحوم پروفیسور پوپدر «اثر» گرانقدرو عظیم خود بعنوان «تحقیقی درهنر ایران» درباره فرهنگ ایران میگوید « خلاصه اینکه جهان بندرت فرهنگی این اندازه زنده و فعال دیده است ... »



بهر حال مطالعه مقاله شیوای نویسنده دانشمند آقای جمالزاده درباره کتاب «یونانیان و بربرها» بنده نگارنده را بر آن داشت که در تائید و تکمیل توضیحات و دلایل مذکور درمقاله ایشان مستندات و دلایل زنده و مهم دیگری نیز که درباره معنی کلمه « بربر» بهمان معنایی که هرودوت مورخ خیلی معروف یونانی (مشهور به پدر تاریخ) استعمال نموده است در دست دارم، نکات زیر را هم بر توضیحات موجه آقای جمالزاده اضافه نمایم.

میدانیم که منشاء و مأخذ اطلاعات تمام مورخین اعم از یونانی و فرنگی و غیره در تألیفات خودشان راجع به یونانیان و ایرانیان همان تاریخ معروف « هرودوت » میباشد که در قرن پنجم قبل از میلاد میزیسته و این اثر مهم و بزرگ خود را هم ظاهراً در حدود سال ۴۳۰ قبل از میلاد مسیح نوشته است.

پس اول باید دید که خود هرودوت در تاریخ معروف خود هر جا که کلمه « بربر » یا « بربرها » را استعمال نموده است چه معنایی بآن میداده و اینکه در باره ایران و ایرانیان که شرح لشکر کشی تاریخی خشایارشا شاهنشاه ایران را به یونان و اشغال آتن پایتخت یونان از طرف سپاهیان ایران ذکر نموده است) چه گفته است.

هر چند من اطلاعات تاریخی که قابل ذکر باشد در این زمینه ندارم تا در این بحث مهم اظهار نظر نمایم ولی ترجمه انگلیسی تاریخ کامل هرودوت (یا هرودوتوس) را

که در سال ۱۸۴۷ میلادی (یعنی ۱۲۴ سال قبل) در لندن چاپ شده است در دست دارم که همانا موجب و محرك این جانب در نوشتن این سطور گردید .

توضیح آنکه این تاریخ از طرف پروفیسور هنری کاری (Henry Cary) استاد زبان یونانی در دانشگاه اکسفورد از زبان یونانی بانگلیسی ترجمه و در ۶۱۳ صفحه در لندن بوسیله کتابخانه ویلیام کلوز (William Clowes) چاپ شده است . و در مقدمه مختصری هم که مترجم نامبرده بتاريخ ۱۰ نوامبر ۱۸۴۷ بر آن نوشته توضیح داده است که پیش از او پنج نفر دیگر هم (که اسامی آنها را ذکر کرده) تاریخ هرودوت را بانگلیسی ترجمه نموده اند ولی هیچ يك از این ترجمه ها یا بعلمت کافی نبودن معلومات مترجم در زبان یونانی یا نداشتن تسلط لازم در ترجمه آن به انگلیسی یا علل دیگر ، آن ترجمه ها (بنا باظهار هنری کاری) ترجمه صحیحی از مندرجات این اثر مهم و پر ارزش هرودوت و لطایف و ظرایف زبان ادبی که او بکار برده است محسوب نمیشود ، و بنا بر این پروفیسور هنری کاری با تذکار اینکه ترجمه وی هم البته خالی از نقص و خطا نیست میگوید « مقصود من این بوده است که تا آنجائیکه تطبیق و نزدیک ساختن اصطلاحات و عبارات متداول در هر يك از این دو زبان را ، یکدیگر امکان دارد ، همان معنائی را که منظور مؤلف آن تاریخ بوده است عیناً بزبان انگلیسی برگردانم . » ضمناً تصویری هم از مجسمه نیم تنه هرودوت در صفحه اول این کتاب گراور شده است که اینك يك فتوکپی از آن نیز بیوست این مقاله بنظر عالی میرسد .

حال برویم بر سراسل موضوع استعمال کلمه « بربرها » در تاریخ معروف هرودوت **اولاً** در اولین صفحه این کتاب (یعنی ترجمه انگلیسی آن) ملاحظه میشود که هرودوت تاریخ خود را با این جمله شروع نموده است :

« این نشریه حاکی از پژوهش ها و تحقیقات هرودوت اهل هالیکارنا »

میباشد تا اعمال و کردارهای اشخاص در اثر گذشت زمان محو نشود همینطور شرح کارهای شکفت انگیز و فوق العاده ای که از طرف یونانی ها و هم بربرها که شهرت نیافته ابراز شده است از بین نرود - و در پاروقی همان صفحه هم مترجم انگلیسی موصوف قید نموده است که «منظور یونانی ها از بربرها تمام اشخاصی هستند که از نسل و ریشه خود آنها نیستند - یعنی تمام اشخاص بیگانه»

(By barbarians the Greeks meant all who were not sprung from themselves - all foreigners.)

ثانیاً اظهارات صریح خود هرودوت می باشد که در صفحات مختلف کتاب خود هر جا که منظورش ملیت های مختلف با هم بوده است اعم از ایرانی و مصری و لیدی و حبشی و عرب و غیره و غیره، کلمه «بربرها» را بکار برده است و هر جا که منظورش منحصرأ ایرانی ها بوده همان کلمه ایران Perse و Persian را استعمال نموده است .

اینک چند فقره از این قبیل اظهارات هرودوت بطور مثال و نمونه ذیلاً نقل می شود :

(۱) صفحه ۳ (بند ۴ از فصل اول) ترجمه فارسی :

«این است که از این واقعه همیشه یونانیها را دشمن خود می دانستند زیرا ایرانی ها ادعا می کنند که آسیا و ملل بیگانه که در آن سکونت دارند متعلق به - خودشان می باشد .»

(۲) صفحه ۴۳ (بند ۴۳) ترجمه فارسی :

«از این رو تاریخ من به تحقیق این موضوع مبادرت میورزد که کوروش که حکمفرمائی کروسوس را سرنگون و منقرض نمودگی بود و چطور ایرانی ها بر

آسیا تسلط یافتند.»

(۳) صفحه ۵۶۸ فصل نهم بند ۵۹ (راجع بیکی از وقایع جنگ ایران و یونان) - ترجمه فارسی :

«بقیه فرماندهان دسته‌های بربر همینه که دیدند ایرانی‌ها برای تعقیب یونانی‌ها در حال پیش‌روی هستند فوراً همگی پرچمهای خود را برداشته و هر يك از آنها با نهایت سرعتی که می‌توانستند بدون رعایت درجه و نظم و ترتیب به تعقیب آنها پرداختند.»

(۴) صفحه ۵۷۱ فصل نهم بند ۶۸ - ترجمه فارسی :

«این مطلب برای من واضح و معلوم است که از طرف بربرها همه چیز بستگی به رفتار ایرانی‌ها داشت ...»

(۵) صفحه ۵۷۳ فصل نهم بند ۷۱ - ترجمه فارسی :

«از بربرها پیاده‌نظام ایرانی‌ها و سواره‌نظام ساکی‌ها برجستگی و لیاقت خود را نشان دادند.»

(۶) صفحه ۵۸۵ - فصل نهم بند ۱۰۴ (عقبه موضوع جنگ) ترجمه فارسی :

«بنابر این موقعی که استحکامات آنها بنصرف درآمد، بربرها دیگر فکر مقاومت را از خود دور نمودند بلکه همگی بجز ایرانی‌ها فرار اختیار نمودند.»



بنا به دلائل تردید ناپذیر که در بالا شرح داده شد همان‌طور که نویسنده دانشمند و محقق گرامی آقای جمال زاده راجع به ارزش کتاب جدید انتشار زیر عنوان «یونانیان و بربرها» و معنای کلمه «بربرها» که در کتب تاریخی موصوف بکار رفته توضیح داده‌اند و ستایشی که از مؤلف محترم آن نمودم آن نمودم در هیچ مورد و در هیچ جا کلمه «بربر» یا «بربرها» که در کتب لغت ما دیکسیونر هم اولین معنی آن «بیگانه»

و «اجنبی» ثبت شده است. بمعنای وحشی یا فاقد تمدن ابدأ بکار نرفته است. از طرف دیگر ایراد و انتقاد مؤدبانهای هم که آقای جمال زاده نسبت به پیش‌داوری یا قضاوت عجولانه دانشمند گرامی آقای دکتر عالی اصغرحریری در مورد کتاب جدید انتشار آقای بدیع نموده‌اند کاملاً موجه می‌باشد.

در عین حال باید اضافه نمایم که من از این جهت متأسفم که با اینکه در صفحات تاریخ مهم و پرارزش هرودوت از مسائل بسیار جالب و خواندنی راجع به ایران و پادشاهان ایران (کوروش کبیر - داریوش و خشایارشا و غیره) واقعه تاریخی تنگه «ترموپیل» و ایستادگی دلیرانه لئونیداس پادشاه اسپارت با يك عده سیصد نفری و کشته شدن تا نفر آخر در مقابل سپاهیان ایران و موضوع خیانت يك یونانی بنام «افیالتس» بوطن خود بطمع پول و راهنمایی سپاهیان مهاجم از راه دیگر و تسلط یافتن برگردنه «ترموپیل» و مسائل جالب دیگر از قبیل تفصیل خصوصیات ساختن اهرام مصر و طول مدت ساختن هر يك که ده سال طول می کشیده است و عده کارگران اجباری که در امر ساختن این اهرام بهلاکت رسیدند و غیره و غیره بحث شده است که واقعاً خواندنی است ولی از جهت تعصب ملی این جانب در این مورد، برای اثبات معنای فقط کلمه «بربرها» که در تواریخ یونان و غیره استعمال شده است ناچار این مقاله طوری مفصل شد که دیگر اطالهای هم از حوصله صفحات يك مجله خارج بوده و هم ممکن است خسته کننده باشد مگر اینکه وقتی دیگر فراغتی دست بدهد تا درباره آن مطالب که ذکر شد از تاریخ گرانقدر هرودوت خوشه چینی بیشتری بشود.

با تقدیم احترام